

مبحث اشتباه حکمی به جهل به قانون و تفسیر ناروا از قانون تقسیم می شود. هر کدام از این مباحث، احکام ویژه خود را در این نظام حقوقی داشته و در رویه های قضایی نظام حقوقی کامن لا نیز پرونده هایی مطرح شده است. در رویه قضایی انگلستان، قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» مورد پذیرش قرار گرفته است و در پرونده های مطروحه، بدون رعایت اصل عدالت و انصاف حکم می دهند. همین امر موجب شد تا عده ای از اندیشمندان حقوقی در مقابل این قاعده قدیمی مقاومت از خود نشان داده و آن را با تورم قوانین و پیچیدگی های آن ناعادلانه بدانند. در خلال بحث به تفصیل طرفداران هر دو گروه را با عقاید آنها ذکر خواهیم کرد.

در حقوق جزای آمریکا این قاعده از انعطاف بیشتری برخوردار بوده به نحوی که در یکی از ایالات چندین استثناء بر قاعده وارد کرده اند. به هر حال مخالفت حقوقدانان و ورود چنین استثناهایی بر قاعده مذکور بیانگر عدم کارایی آن در عصر حاضر با توجه به تورم قوانین کیفری می باشد.

واژگان کلیدی،

جهل به قانون، اشتباه حکمی، کامن لا

از جمله مسائلی بسیار مهم و مشکل حقوق جزا، بحث مسئولیت کیفری است. در دوره قدیم به دلیل ابتدایی بودن جامعه بشری و دور بودن از تمدن واقعی، مسئولیت کیفری به صورت جمعی بود و علاوه بر آن مسئولیت متوجه جمادات و حیوانات نیز می شد. مسئولیت کیفری در دو قرن اخیر با ظهور مکاتب کلاسیک، تحقیقی و دفاع اجتماعی به صورت شخصی مورد توجه حقوقدانان قرار گرفت و تنها انسان پذیرای این مسئولیت شد. در حقوق کیفری لازمه اعمال مجازات بر مرتکبان اعمال مجرمانه، وجود مسئولیت کیفری است. وجود مسئولیت کیفری فرع بر تحقق جرم و مبتنی بر تحقق شرایطی است. تحقق کیفر بر مجرم مستلزم آن است که وی از نظر جسمی، روانی، رشد و اهلیت در وضعیتی باشد که قابلیت انتساب نتیجه مجرمانه به او وجود داشته باشد. یکی از عواملی که به این رابطه روانی در کنار صغر سن، جنون، اجبار و اضطراب خدشه وارد می کند، اشتباه است. اشتباه خود به دو دسته حکمی و موضوعی تقسیم می شود. اشتباه حکمی به فعل یا ترک فعلی گفته می شود که فرد به دلیل جهل به قانون یا تفسیر نادرست آن مرتکب عمل مجرمانه می شود. بحث ما در خصوص اشتباه حکمی و نقش آن در تحقق مسئولیت کیفری در نظام حقوقی کامن لا است.

اشتباه حکمی در نظام حقوقی کامن لا

غلامعلی میرزایی منفرد

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

مسیح و سیاست مربوط به حمایت از فرد و آزادی او تشکیل می دهد و رفته رفته در حقوق آنها قواعدی وضع شده که با قواعد گروه رومی و ژرمنی شباهت فراوان دارد.^۱ منبع اصلی حقوق این خانواده، قواعدی است که قضات دادگاهها در دعاوی خود اعمال کرده اند. حقوق کامن لا، حقوقی است عرفی، منتها نه به معنایی که ما از عرف و عادت داریم. مقصود از عرف رویه ای است که بین دادگاهها مرسوم بوده و از آن تبعیت می کنند، لذا اصول حقوقی در این نظام، از «قانون» نشأت نمی گیرد و قانون استثناهای وارد بر عرف محاکم را تعیین می کند.

این حقوق نمونه ای بارز یک حقوق مبتنی بر «آرای قضایی»^۲ است و از راه مطالعه ای رویه ای قضایی است که باید مطالعه ای منابع آن را آغاز کرد.

قانون در تاریخ حقوق انگلیس جز نقش درجه دوم نداشته و به اصلاح یا تکمیل کار رویه ای قضایی اکتفا کرده است. ولی امروزه وضع تا حد زیادی دگرگون شده است.

در انگلستان امروز، قوانین و آیین نامه ها (مقررات تفویضی)^۳ یا مقررات تبعی^۴ را نمی توان دارای نقش ثانوی دانست. از صد سال پیش و به ویژه از جنگ جهانی ۱۹۳۹م، یک جنبش وسیع قانونگذاری در انگلستان بوقوع پیوسته است. با الهام از سیاست ارشادی، قوانین بسیاری وضع شده اند که حقوق پیشین را عمیقاً دگرگون کرده و بخش نوینی در حقوق انگلیس پدید آورده اند.

منبع دیگر این نظام حقوقی، عرف و عادت می باشد. البته اهمیت این منبع بسیار کم تر از دو منبع قبلی است. این عرف به دو بخش «عرف عمومی باستانی»^۵ و «عرف های محلی»^۶ تقسیم می شود.

از دیدگاه یک فرانسوی عرف، جزء حقوق است ولی یک انگلیسی ترجیح می دهد آن را یک «روش معمول»^۷ و مشابه آداب و سنن حقوق اساسی تلقی کند که هیچ کس در اندیشه ای زیر پا گذاشتن آنها نیست ولی آنها صرفاً جزء حقوق به شمار نمی آیند.

منبع دیگر حقوق این نظام «عقاید علمای حقوق»^۸ است که البته به وسیله ای قضات نوشته شده اند و به «کتب معتبر»^۹ موصوف هستند.

و بالاخره عقل نیز یکی دیگر از منابع این نظام حقوقی به شمار می رود. این طرز تفکر که «حقوق قبل از هرچیز عقل است»^{۱۰} امروزه در انگلستان گرایش آشکاری به پذیرش آن ایجاد شده است.^{۱۱}

«عقل پیش از آن که خلأ نظام حقوقی را پر کند، نقشی در تفسیر قانون ایفاء می کند. نظام های حقوقی رومی - ژرمنی نظام های بسته محسوب می شوند ولی کامن لا یک نظام باز است که در آن قواعد جدید همواره پدید می آیند و این قواعد بر پایه ای عقل استوارند.

عدم ای از حقوقدانان انگلیس عقل را شامل حقوق روم و حقوق مذهبی می دانند و اشکال می کنند که اگر قاعده ای از قواعد حقوق روم اصلاح است و به حکم عقل انتخاب و پذیرش آن

فصل اول: اوصاف نظام حقوقی کامن لا

کامن لا که تا قرن هفدهم میلادی به زبان حقوقی نورمان ها، «کامیون لی»^{۱۲} نامیده می شد. زبانی بود که حقوقدانان انگلیس به آن سخن می گفتند و زبان نوشته ای حقوقی آن زمان در انگلستان مانند بقیه ای اروپا، زبان لاتینی بود.

«کامیون لی یا کامن لا، در مقابل عرف های محلی، حقوقی بود مشترک برای سراسر انگلستان».^{۱۳} این نظام حقوقی در انگلستان پس از غلبه ی نورمان ها بر این کشور به طور عمده در نتیجه ی فعالیت دادگاه های شاهی، ساخته شده است.

خانواده ی کامن لا، علاوه بر حقوق انگلیس - که منشأ آن بوده است - شامل انواع دیگر حقوق کشورهای انگلیسی زبان همچون آمریکا، کانادا (جز ایالت کبک)، ایرلند شمالی و استرالیا و جزایر آنتیل انگلستان می شود.

در خارج از کشورهای انگلیسی زبان، نفوذ کامن لا در اغلب و شاید در همه ی کشورهای که از نظر سیاسی به انگلستان وابسته بوده یا همچنان وابسته اند قابل ملاحظه بوده است. ممکن است در برخی از زمینه ها، این کشورها سنت ها، نهادها و مفاهیم خاص خود را حفظ کرده باشند، با این حال در همه ی موارد حقوق انگلیس طرز فکر حقوقدانان آنان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. در همین راستا، از یک سو، سازمان اداری و قضایی، و از سوی دیگر آیین دادرسی (مدنی یا کیفری) و ادله ی اثبات دعوی^{۱۴} همه جا از روی نمونه ی انگلیسی ایجاد و تنظیم شده است. لذا هر گونه مطالعه درباره ی کامن لا باید با بررسی حقوق انگلیس آغاز شود.

«مبنای اصلی حقوق این خانواده را اخلاق ناشی از مذهب

ضرورت دارد، می‌توان آن را وارد حقوق انگلیسی کرده و قاضی انگلیسی در این گونه موارد اجرای این احکام را به عنوان حکم عقل مقرر می‌دارد».^{۱۸}

حال که با نظام حقوقی کامن‌لا به طور اجمالی آشنا شدیم، در مبحث دوم به تأثیر اشتباه حکمی در این نظام، بر مسئولیت کیفری خواهیم پرداخت.

فصل دوم: دامنه‌ی پذیرش اشتباه حکمی

برای بررسی و آشنایی قلمرو پذیرش اشتباه حکمی در نظام حقوقی کامن‌لا، در این مبحث به تجزیه و تحلیل این موضوع در حقوق جزای دو عضو بزرگ از این خانواده، یعنی حقوق جزای انگلیس و حقوق جزای آمریکا، طی دو گفتار خواهیم پرداخت تا به شکلی دقیق‌تر با میزان تأثیر گذاری قاعده‌ی «جهل به قانون دفاع محسوب نمی‌شود» در این نظام حقوقی آشنا شویم.

گفتار اول: حقوق جزای انگلیس

در کتاب ^{۱۹} Criminal Law، در مبحث عنصر روانی، پس از آن که تعریف عنصر روانی، معنی و مفهوم آن و نیز سوء نیت مطرح شده، جهل به قانون و میزان تأثیر آن بر مسئولیت کیفری بیان شده است.

به طور خلاصه می‌توان تقسیم‌بندی ذیل را در خصوص اشتباه حکمی در حقوق جزای انگلیس ارائه کرد.

بند اول: جهل به قانون

در این رابطه از دو رویکرد به مسأله نگاه می‌کنیم؛ یکی نگرش رویه‌ی قضایی دادگاه‌ها در رابطه با دامنه‌ی تأثیر جهل به قانون در مسئولیت کیفری و دیگری نظرات حقوقدانان و نظریه‌پردازان حقوق جزای انگلیس که خود به دو گروه موافقان قاعده‌ی «جهل به قانون عذر محسوب نمی‌شود» و مخالفان آن تقسیم می‌شوند.

۱- رویه‌ی قضایی

رویه‌ی قضایی انگلیس در خصوص مدعیان جهل به قانون که مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند، سخت‌گیری و حساسیت قاطعی از خود نشان داده و لذا متهم را در هر حال، حتی اگر از نظر وضعیت و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر متهم یک اطلاع از مجرمانه بودن عمل محال باشد، مسئول شناخته و مجازات را بر او اعمال می‌کنند؛ هر چند ممکن است دادگاه‌ها در میزان مجازات او قایل به تخفیف باشند.

استدلالی که قضات مطرح می‌کنند این است که به هر حال متهم قصد انجام و ارتکاب یک عمل غیر اخلاقی داشته است، خواه جهل او

متعارف و منطقی باشد و خواه نباشد، باید او را مجازات کرد. در این رابطه به سه رویه‌ی دادگاه‌ها استناد می‌کنند؛ یکی مربوط به یک تبعه‌ی عراقی است که در بندر انگلیس مرتکب عملی می‌شود که طبق قانون انگلیس جرم بوده ولی طبق قانون دولت متبوع وی عنوان مجرمانه نداشته و در نهایت استناد متهم به عدم آگاهی از مجرمانه بودن عمل در انگلستان مقبول واقع نمی‌شود.

رویه‌ی دوم مربوط به متهمی است که در حین یک سفر دریایی عملی را انجام می‌دهد که در همان موقع، در انگلیس انجام آن عمل، عنوان مجرمانه به خود پیدا کرده بود و استناد متهم به جهل به قانون موضوعه‌ای که در حال سفر دریایی وی وضع شده مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد؛ هر چند که جهل او متعارف و منطقی بوده و هیچ گونه عنصر روانی برای ارتکاب آن عمل نداشته است.

پرونده سوم مربوط است به یک مرد فرانسوی که در انگلستان در هنگام دول مرتکب قتل یک نفر می‌شود بدون اینکه از مجرمانه بودن دول در آن کشور برخلاف کشور خویش آگاهی داشته باشد، دادگاه وی را به اتهام قتل عمد محکوم کرد.

پاسخی که به استدلال این دسته از قضات می‌توان ارائه کرد این است که امروزه با گسترش ارتباطات و توسعه‌ی صنعت و تکنولوژی، چه بسیار اعمال و اقداماتی عنوان مجرمانه دارند و حال آنکه از نظر اخلاقی قبیح نیستند، کما اینکه بسیاری از اعمال خلاف اخلاق قبیح و ناپسند می‌باشند ولی عنوان مجرمانه ندارند؛ همچون دروغ گفتن یک فرد عادی.

۲- دکترین حقوقی

حقوقدانان انگلیس قاعده‌ی «جهل به قانون دفاع نیست» را ارزیابی و بررسی کرده و عده‌ای موافق بقای آن می‌باشند و عده‌ای نیز مخالف آن هستند که در زیر نظرات چهار نفر از موافقان و مخالفان ذکر می‌شود:

۱-۲- موافقان

یکی از موافقان وجود قاعده‌ی مذکور هولمز (Holmes) است که بیان می‌دارد این قاعده باید همچنان حفظ شود، زیرا چنانچه جهل به قانون را به عنوان یک دفاع و عذر تلقی کنیم، افراد تلاش و کوششی در جهت آگاهی از قوانین به عمل نمی‌آورند و نسبت به آنها غفلت و کوتاهی می‌کنند و در نتیجه قوانین ضمانت اجرای خود و قطعیت خویش را از دست می‌دهند.

پس برای این که افراد راه فراری از آگاهی از قوانین پیدا نکنند لازم است همچنان تبعات ناشی از جهل به قانون را بر دوش آنها بگذاریم تا به منظور گریز از افتادن در عنوان مجرمانه‌ای، به سراغ مفاد قوانین بروند. یکی دیگر از حقوقدانان موافقان قاعده،

(Jerome Hall) می‌باشد. وی چنین استدلال می‌کند که چنانچه جهل به قانون را یک عذر احتساب کنیم، نتیجه این می‌شود که باید یکی از اصول بنیادی امر قانونی را انکار کنیم؛ اگر ادعای جهل به قانون معتبر شناخته شود، نتیجه چنین می‌شود؛ هرگاه متهم در یک امر و موضوع کیفری تصور کرد حکم قانون چنین و چنان است، می‌بایست طبق تصور او که قانون چنین و چنان است، با او رفتار شود، پس قانون عملاً همان چنین و چنان متهمان خواهد شد.

در دعوی (Cooper v simmons)، چنین رأی داده شد که: اگر بخواهیم ادعای جهل به قانون را بپذیریم باید عقیده‌ی شخص متهم به نقض قانون را جایگزین قانون کنیم.^{۲۰}

۲-۲- مخالفان

بلاک استون (Blackstone) معتقد است که قواعد حقوقی باید بر اساس واقعیات اجتماعی بنا

اگر ادعای جهل به قانون معتبر شناخته شود، نتیجه چنین می‌شود؛ هرگاه متهم در یک امر و موضوع کیفری تصور کرد حکم قانون چنین و چنان است، می‌بایست طبق تصور او که قانون چنین و چنان است، با او رفتار شود، پس قانون عملاً همان چنین و چنان متهمان خواهد شد.



قاعده‌ی (جهل به قانون) دفاع نیست) امروزه توجه به حقایق زندگی اجتماعی نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد و دیگر نمی‌توان همه را عالم بر قوانین فرض کرد.

شده باشند. هر قاعده‌ای ممکن است در برهه‌ای از زمان حاکم باشد و در برهه‌ی دیگر متروک. قاعده‌ی (جهل به قانون دفاع نیست) امروزه با توجه به حقایق زندگی اجتماعی نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد و دیگر نمی‌توان همه را عالم بر قوانین فرض کرد.

اوستین (Austin) نیز یکی از مخالفان این قاعده است و جهل به قانون را یک واقعیت اجتماعی می‌داند و می‌گوید از آن جا که علم حقوق بر مبنای واقعیات اجتماعی شکل گرفته‌اند، لذا این قاعده کارایی خود را در این عصر از دست

داده است.

این گروه در پاسخ به استدلال موافقان قاعده مبنی بر قباح اخلاقی کلیه جرایم، بیان می‌دارند که این مسأله و فرض در رابطه با جرایم شدید و مهم صادق است نه جرایم جزئی که از لحاظ بار اخلاقی خنثی هستند. پس نباید مرتکبان این دسته از جرایم را به این استناد و استدلال که عملشان خلاف اخلاق است، به مجازات محکوم کرد.

یکی دیگر از حقوقدانان انگلیس در پاسخ به این فرض قانونی که «همه قانون را می‌دانند» ادعان می‌کند: «همه‌ی افراد آگاه به قانون فرض شده‌اند مگر قضات که یک دادگاه تجدیدنظر برای تصحیح اشتباهات آنان تشکیل شده است.»^{۱۱}

علیرغم قاطعیتی که این قاعده در این کشور دارد، در مجموع استثنایایی بر آن وارد شده است.

پس زمانی که حکم مدنی مبنای حکم کیفری قرار گرفته باشد یا به عبارت دیگر حکم کیفری بر مبنای حکم مدنی باشد اشتباه نسبت به حکم مدنی، مسئولیت کیفری را زایل می‌کند، زیرا فرد عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم نداشته است.

توضیح این که در پرونده‌ی دو همسری، فرد به حکم کیفری (ممنوعیت دو همسرگزینی) واقف بوده ولی نسبت به حکم مدنی (منتفی شدن ازدواج اول) دچار اشتباه شده است و یا در پرونده‌ی مربوط به برداشتن مال دیگری به تصور این که در ملکیت خود درآمده است، فرد به حکم کیفری (ممنوعیت سرقت مال دیگری) آگاه بوده ولی نسبت به حکم مدنی (وقوع عقد بیع و

قرار گرفتن مال در ملکیت او) دچار اشتباه شده است و یا در پرونده‌ی مربوط به انتقال گاو از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر، فرد به حکم کیفری (ممنوعیت انتقال گاو از ناحیه‌ی یک به ناحیه‌ی دو) واقف بوده ولی نسبت به حکم مدنی (ادغام دو ناحیه) دچار اشتباه شده است. نتیجه این که در حقوق انگلیس هر جا حکم مدنی پایه و مبنای حکم کیفری قرار گیرد، به دلیل نبودن عنصر روانی، اشتباه نسبت به قانون مدنی رافع مسئولیت کیفری شناخته می‌شود. در حقوق ایران نیز چنانچه مردی با زنی که در عده‌ی رجعی است به تصور دوطهر بودن آن و گذشتن این مدت، با او ازدواج کند، نسبت به حکم مدنی که پایه‌ی حکم کیفری است دچار اشتباه شده است.

گفتار دوم: حقوق جزای آمریکا

همانگونه که قبل از این بیان کردیم، اشتباه به دو بخش موضوعی و حکمی تقسیم می‌شود. در رابطه با اشتباه موضوعی - که خارج از بحث اصلی ماست - به همین قدر اکتفاء می‌کنیم که از آنجا که این نوع اشتباه، عنصر روانی لازم برای یک جرم را زایل می‌کند، لذا رافع مسئولیت کیفری شناخته شده است؛ مثلاً فردی که کت دیگری را به جای کت خود برمی‌دارد، در صورتی که این اشتباه متعارف و منطقی باشد، مسئولیت کیفری را از او سلب می‌کند و عمل او عنوان سرقت ندارد. اما در رابطه با اشتباه حکمی:

طبق تعریفی که در مقدمه در خصوص اشتباه حکمی بعمل آوردیم، آن را به فعل یا ترک فعل ناشی از جهل به قانون و تفسیر نادرست و برداشت غیر صحیح از قانون که عنوان مجرمانه دارد تعریف کردیم. از آنجا که احکام ناشی از

جهل به قانون با تفسیر نادرست از قانون در حقوق جزای آمریکا^{۱۲} نیز متفاوت می‌باشد، آنها را طی دو بحث جداگانه بیان می‌داریم.

بند اول: جهل به قانون

در حقوق جزای آمریکا قاعده‌ی «جهل به قانون عذر تلقی نمی‌شود» همچنان به عنوان یک اصل پذیرفته شده و حقوقدانان و قضات از بقای آن دفاع کرده و عدم پذیرش آن را مخالف با امنیت و سلامت جامعه می‌دانند که در گفتار اول در حقوق جزای انگلستان نظرات موافقان را برشمردیم.

علیرغم قاطعیتی که این قاعده در این کشور دارد، در مجموع استثناهایی بر آن وارد شده که به نظر تلاش قانونگذاران ایالتی و یا فدرال را در جهت محدود کردن دامنه‌ی تأثیر آن بر مسئولیت کیفری (با توجه به تورم قوانین کیفری، آرای دادگاه‌ها و آئین‌نامه‌های اجرایی که جرم را تعریف می‌کنند و ...) نشان می‌دهد.

حال استثناءهای وارد شده بر قاعده‌ی مذکور را فهرست‌وار ذکر می‌کنیم، هر چند که بیشتر آن استثناءها مربوط به قانون جزای یکی از ایالات است:

۱- چنانچه فرد در جهت آگاهی از قانون تلاش و کوشش بعمل آورده باشد و تلاش او نیز متعارف و منطقی باشد، در صورتی که صادقانه بر این باور است که علمی حاصل نکرده و یا عمل مجرمانه ندارد، با ارتکاب عمل مجرمانه، مبری از مسئولیت کیفری است.

این بحث را فقهای اسلامی نیز در مباحث فقهی مطرح کرده و حقوقدانان اسلامی و ایرانی نیز به آن پرداخته‌اند که آن را تحت عنوان «جهل قصوری» بررسی می‌کنند.

۲- چنانچه عمل خاصی، طبق یک آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون به عنوان جرم تعریف شده باشد و این آیین‌نامه انتشار نیافته و فرد نیز از آن بی‌اطلاع باشد، در صورت ارتکاب عمل، جهل به این آیین‌نامه، رافع مسئولیت کیفری است. این جهل از نوع جهل مرکب است.

۳- در صورتی که فرد در جهت آگاهی از آیین‌نامه‌ای که جرم را تعریف کرده و به نحو متعارفی در اختیار او قرار نگرفته، پس از فحص و تلاش به واقعیت علم حاصل نکند و مرتکب عمل شود که طبق آن آیین‌نامه جرم تلقی می‌شود، مسئولیت کیفری از او سلب می‌شود.

۴- زمانی که فرد طبق یک قانون که عمل خاصی را جرم تلقی نکرده، رفتار نماید و سپس قانون جدیدی آن عمل را جرم بداند و وی به نحو متعارف و با باور منطقی به آن علم نداشته باشد مبری از مسئولیت کیفری است. این جهل نیز از نوع جهل مرکب می‌باشد.



زمانی که حکم مدنی مبنای حکم کیفری قرار گرفته باشد اشتباه نسبت به حکم مدنی، مسئولیت کیفری را زایل می‌کند، زیرا فرد عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم نداشته است.

بند دوم: تفسیر نادرست قانون (اشتباه نسبت به قانون)

در حقوق انگلیس این نوع اشتباه رافع مسئولیت کیفری است و حتی اگر اشتباه فرد یک اشتباه نامتعارف اما با باور و اعتقاد صادقانه باشد، یک عذر و دفاع تلقی می‌گردد، زیرا فرد از لحاظ عنصر روانی قصد ارتکاب عمل مجرمانه نداشته و یا فقدان عنصر معنوی، ارکان تشکیل دهنده‌ی جرم شکل نمی‌گیرد پس فاقد مسئولیت کیفری است. مثالی که در این رابطه در رویه‌ی قضایی مطرح است این است که فردی متأهل، چنانچه اقدام به ازدواج مجدد نماید، ادعای جهل او به قانون مسموع نیست، اما همین فرد اگر تصور می‌کرد ازدواج قبلی او با طلاق خاتمه پیدا کرده و با این باور که همسری قانونی ندارد، با فردی دیگر ازدواج نماید، دچار اشتباه در قانون طلاق شده است. یعنی فرد نسبت به حکم مدنی دچار اشتباه گردیده است.

انگلستان یورش بردند و در سال ۱۰۶۶ م بر این کشور مسلط شدند.

۵- evidence

ع ناصر کاتوزیان. مقدمه علم حقوق، بهنشر، ۱۳۸۰، ص ۱۰

۷- Statute

۸- Case law

۹- delegated legislation

۱۰- subordinate legislation

۱۱- general immemorial custom

۱۲- mercantile customs

۱۳- usual practice

۱۴- doctrine

۱۵- Books of authority

۱۶- lex est aliquid rationis

۱۷- برای مطالعه‌ی بیشتر در این رابطه، ر. ک: نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، نوشته‌ی رنه داوید، همان، از صفحه‌ی ۳۰۷ تا ۴۲۶.

در برخی کشورهای اسکاندیناوی همچون نروژ، اشتباه حکمی در مواردی مورد پذیرش واقع شده که استثنای بر قاعده‌ی «جهل با قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» به شما می‌رود

باوری صادقانه تصور کند که عقد بیع به طور کامل منعقد شده و وی مالک اتومبیل است، لذا اتومبیل را سوار شده و از آن جا دور شود، مرتکب سرقت اتومبیل نشده است، زیرا عنصر روانی لازم برای تشکیل جرم معقود است.

مشابه چنین حکمی در حقوق ایران و فقه نیز موجود می‌باشد. مثلاً چنانچه فردی تصور کند عده‌ی مطلقه‌ی رجعیه دو طهر است و پس از انقضای دو طهر با وی ازدواج کند، وی در حکم مدنی که پایه‌ی حکم کیفری است دچار اشتباه شده است و مرتکب جرم به عقد در آوردن زن شوهردار نشده است اما از جهت مدنی نکاح وی باطل است.

گفتار سوم: کشورهای اسکاندیناوی

در برخی کشورهای اسکاندیناوی همچون نروژ، اشتباه حکمی در مواردی مورد پذیرش واقع شده که استثنای بر قاعده‌ی «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» به شمار می‌رود و ما به اختصار از آنها ذکر می‌کنیم.

ابتدا یک قاعده‌ی کلی وجود دارد که افراد نمی‌توانند نسبت به قواعد کلی جامعه که بر همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی حکمفرماست، ادعای جهل نمایند و جهل آنان رافع مسئولیت کیفری آنان نخواهد بود.

قاعده‌ی دیگری که وجود دارد این است که افراد نمی‌توانند نسبت به مقررات ویژه‌ی حرفه‌ای خود ادعای جهل کنند و در صورتی که ادعای جهل نمایند، مسئول می‌باشند و جهل آنان مقبول نیست، مفهوم مخالف این قاعده این است که افراد می‌توانند نسبت به مقررات ویژه‌ی غیر از حرفه‌ی خود، ادعای جهل نمایند؛ مثلاً یک کشاورز می‌تواند نسبت به مقررات ویژه‌ی یک صنعتگر ادعای جهل نماید و در صورت متعارف بودن آن مقبول خواهد شد.

همچنین یک تبعه‌ی خارجی می‌تواند نسبت به قانونی که قادر به حصول علم از آن نبوده و یا قانونی که جدیداً و به تازگی تصویب شده و یا قانونی که تفسیر آن ابهام دارد ادعای جهل کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- Ignorance of law in Common Law System

۲- Commune ley

۳- رنه داوید، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه‌ی حسین صفایی، محمد آشوری، عزت‌الله عراقی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴، ص ۳۱۱.

۴- Normands که از نورماندی (فرانسه) آمده بودند. در قرن ۱۱م، به دستور گیوم اول، به

۵- عمل برخلاف رأی دادگاه تجدیدنظر ایالت ایلینویس که به تازگی صادر شده است، مشروط بر متعارف بودن جهل با باور صادقانه.

۶- عمل برخلاف رأی دیوان عالی ایلینویس که به تازگی صادر شده است، به شرطی که جهل متعارف باشد و اعتقاد صادقانه نیز داشته باشد.

۷- عمل برخلاف رأی دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده که به تازگی صادر شده است، مشروط بر این که جهل او متعارف و باور او نیز صادقانه باشد.

۸- عمل طبق یک رأی دادگاه تجدیدنظر ایالت ایلینویس که به تازگی فسخ شده، مشروط بر متعارف بودن جهل و اعتقاد صادقانه‌ی او.

۹- عمل طبق یک رأی دیوان عالی ایلینویس که به تازگی فسخ شده است به شرط این که جهل او متعارف و منطقی و باور او نیز صادقانه باشد.

۱۰- عمل طبق یک رأی دادگاه تجدیدنظر ایالت متحده که به تازگی فسخ شده است، در صورتی که جهل او متعارف و باور او نیز صادقانه باشد.

۱۱- عمل طبق یک تفسیر رسمی از قانون موضوعه مبنی بر تعریف جرم توسط یک مقام رسمی یا نمایندگی مجاز، مشروط بر متعارف بودن جهل فرد و صادقانه بودن اعتقاد او.

۱۲- عمل طبق یک تفسیر رسمی از آیین‌نامه مبنی بر تعریف جرم توسط یک مقام رسمی یا نمایندگی مجاز به شرطی که جهل او متعارف و باور او نیز صادقانه باشد.

۱۳- عمل طبق یک تفسیر رسمی از رأی دادگاه مبنی بر تعریف جرم توسط یک مقام رسمی یا نمایندگی مجاز در صورتی که جهل فرد متعارف و باور او نیز صادقانه باشد.

پس برای پذیرش جهل، متعارف بودن آن و اعتقاد و باور صادقانه‌ی فرد مبنی بر جرم نبودن عمل شرط اولیه می‌باشد. کما اینکه در صدور یا فسخ آرای مذکور «به تازگی» معیاری است که باید متعارف و مبتنی بر عرف باشد.

بند دوم: تفسیر و برداشت نادرست از قانون

در خصوص برداشت نادرست از قانون، حقوق جزای آمریکا نیز همچون حقوق جزای انگلیس آنرا رافع مسئولیت کیفری می‌داند؛ توضیح این که زمانی که حکم مدنی مینا و اساس یک حکم کیفری قرار بگیرد، تفسیر و برداشت نادرست حکم مدنی که با باور صادقانه همراه است مسئولیت کیفری را زایل می‌کند؛ مثلاً چنانچه یک نفر عقد بیع با دیگری برای خرید اتومبیل منعقد نماید و طبق مفاد عقد، هنوز اتومبیل در ملکیت خریدار قرار نگرفته است، اما وی با

۱۸- علی شریف، کلیات حقوق تطبیقی، نشر بشارت، ۱۳۸۲، ص ۷۹.

۱۹- Smith and Hogan, Criminal law, ۱۹۸۳, London, P. ۶۸.

۲۰- Smith and Hogan. op. Cit. P. ۷۰.

۲۱- حسین میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰.

۲۲- John. M. Scheb & John. M. Scheb II. Criminal law - ۲۰۰۰ (اقتس شده‌ی نشر دادگستر Criminal law - ۲۳- Joel Samaha, ۱۳۸۰ - ۵th edition, ۱۹۹۶.

کوازه